

نقش اعراب خوزستان در دفاع سرزمینی

دکتر علی بختیارپور^۱

دکتر تقی کاظمی^۲

محمد علی شامانی^۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۱۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۳/۳۱

فصلنامه آفاق امنیت / سال چهارم / شماره دهم - بهار ۱۳۹۰

چکیده

استان خوزستان واقع در جنوب غربی ایران موقعیتی راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران دارد، که در موقعیت‌های مختلف تاریخی مورد طمع بیگانگان قرار گرفته است. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نمونه‌ای روشن از این نگاه در عصر حاضر است.

با توجه به راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران که متکی بر مردم و بازدارندگی مردمی در دفاع از سرزمین است. اعراب خوزستان با توجه به عوامل همگرا از جمله پیوستگی تاریخی سرزمین خوزستان، مذهب تشیع، توسعه صنعتی، ارتباطات، جنگ تحمیلی، مشارکت سیاسی و زمینه‌های تاریخی دفاعی، خود را جزئی از هویت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌دانند و نقشی برجسته در دفاع از سرزمین خوزستان بر خود قائل می‌باشند.

واژگان کلیدی

دفاع، دفاع سرزمینی، اعراب، خوزستان

۱. استادیار دانشگاه آزاد اهواز

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب

۳. کارشناس ارشد مطالعات دفاعی

مقدمه

خوزستان واقع در جنوب غرب ایران یکی از استان‌های مهم جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جغرافیایی و اقتصادی است. وزن ژئوپولیتیکی منطقه، از اهمیتی ویژه برخوردار است. می‌توان گفت موقعیت جغرافیایی ایران در تمام کره زمین استثنایی است. ایران مرکز تلاقی راه‌های عبور زمینی آسیا، اروپا و آفریقا است و از دیرباز محل مهاجرت و تهاجم اقوام مختلف بوده است. به همین دلیل، مرزهای سیاسی آن گرفتار انقباض، انبساط و تقسیمات فراوان شده است. حاکمیت دولت و موجودیت سیاسی ملت ایران در صد سال اخیر در مرزهای ترسیم‌شده جدیدی که «خطوط مرزی بین‌المللی» نامیده می‌شود، تثبیت شده است (قهری، ۱۳۷۲: ۳۰). علاوه بر موقعیت ویژه جغرافیایی خوزستان، منابع نفتی موجود در منطقه همواره مطرح نظر همسایگان هم‌جوار و قدرت‌های استعماری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. هرگاه توان کشور یا قدرت ملی یا سیاسی این مرز و بوم دچار ضعف شده، تجاوزگران با ادعاهایی بی‌پایه به منظور پاره کردن و جداسازی بخشی از این میهن بزرگ به آن حمله‌ور شده‌اند. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به قصد از بین بردن کشورمان و دست‌کم جداسازی خوزستان نمونه‌ای روشن از این نگاه در عصر حاضر است.

از آنجا که ایران متشکل از گروه‌های قومی فارس، آذری، عرب، کرد، ترکمن، بلوچ، لر، تالش و... است، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور مستلزم انگیزه‌های عام و حفظ هوشیاری می‌باشد.

حدود نیمی از جمعیت خوزستان عرب‌اند و تیمی دیگر را غیرعرب‌ها تشکیل می‌دهند. خوزستان به لحاظ برخورداری از منابع غنی نفت، سدها، و خاک و ارتباطات همواره مورد طمع بیگانگان بوده است. پیروزی انقلاب اسلامی و مخالفت آن با قدرت‌های استکباری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجی از تهدیدهای نظامی را علیه نظام ایران ایجاد کرده با حضور نظامی کشورهای استکباری در منطقه، این تهدید بعد وسیع و جدی‌تری یافته است.

شناخت خصوصیات جمعیتی خوزستان برای اشراف بر مؤلفه‌های مثبت و منفی آن به منظور طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی برای کاهش آسیب‌پذیری‌ها روشی کارآمد برای مقابله با بحران‌های داخلی، تهاجم خارجی و پیشگیری از آنهاست. این منطقه از طریق مرزهای خشکی و آبی با عراق و از سمت خلیج فارس با کشورهای کویت و عربستان هم‌مرز است. علاوه بر هم‌مرزی با این کشورها و موقعیت قرارگیری آن، به علت وجود منابع عظیم نفت و گاز از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است.



این مقاله به نقش اعراب خوزستان در دفاع از سرزمین جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و کاهش یا افزایش همگرایی آنها را در دفاع از تمامیت ارضی کشور مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی است و روش به‌کاررفته در آن، توصیفی-تحلیلی بوده است.

مبانی نظری

مائو اعتقاد راسخ دارد که در هر جنگ طولانی که سلاح‌های دوربرد مدرن، از جمله بمب‌های اتمی، در برابر توده‌هایی قرار می‌گیرند که از نظر صنعتی عقب‌مانده اما از نظر ایدئولوژیکی تقویت‌شده‌اند و از جان‌فشانی در راه وطن‌شان ترسی ندارند، بی‌فایده است، و کارآیی نخواهد داشت. عامل انسانی در مسائل نظامی از اهمیت زیادی برخوردار است. استراتژیست‌ها و کارشناسان نظامی که بدون در اختیار داشتن اطلاعات دقیق درباره ویژگی‌های جمعیتی، فرهنگی و ساختارهای اجتماعی شرکای ائتلافی و نیز مخالفان، به طرح‌ریزی و اجرای عملیات نظامی اقدام می‌کنند، دچار تزلزل خواهند شد. وی معتقد است ارتش حرفه‌ای بدون نیروهای مردمی مانند رودخانه‌ای بدون سرچشمه و درختی بدون ریشه است و هیچ‌گاه بدون نیروهای مردمی قادر به جنگیدن در نبردی واقعی نخواهیم بود (موحدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۳). رابرت ساک معتقد است سازمان‌های اجتماعی غالباً سرزمین‌خواه هستند. در جوامع ابتدایی، فردگرایی نمود کمی دارد و غالباً فرد بر حسب عضویت در خانواده، طایفه یا قبیله شناخته می‌شود. رابطه ارگانیک میان فرد و جامعه به رابطه میان جامعه و محیط آن شباهت دارد. جامعه پیوند بسیار نزدیکی با سرزمین خود دارد و سرزمین و مردم مفاهیمی آمیخته به هم هستند. جامعه معنای خود را از سرزمین می‌گیرد و سرزمین بر حسب روابط اجتماعی تعریف می‌شود. افراد یک جامعه با سرزمین خود بیگانه نیستند. عقیده به سکونت ارواح، اجداد و نیاکان در یک سرزمین و نیز اعتقاد به اعطای اسطوره‌ای سرزمین به یک قوم موجب بروز حس اشتراکی قوی مالکیت و بهره‌برداری می‌شود. ظهور حکومت، معرف پیشرفت‌ی چشم‌گیر در رابطه میان جامعه و سرزمین است. حکومت ضرورتاً نهادی سرزمینی است. اقتدار حکومت به روشنی در طول سرزمین آن امتداد می‌یابد. هر تجاوزی به سرزمین، چالشی در برابر نظم و اقتدار حکومت است. این سرزمین‌خواهی به دلایل مختلفی حایز اهمیت است، به ویژه که این سرزمین‌خواهی با بیان بسیار آشکار قدرت حکومت برابر است.

اکبر احمد و دیوید هارت معتقدند گروه‌های زبانی و مذهبی ایران تا اوایل قرن بیستم بر محور بافت اقوام (ایل و طایفه) سازمان می‌یافتند. این گروه‌ها بخش‌های



جدایی ناپذیر و مسلم جامعه ایرانی بوده‌اند. در ایران، قبایل بیشتر موجودیت‌هایی اجتماعی و سیاسی بوده‌اند تا جوامعی بیولوژیک و خویشاوندی. احمد و هارت می‌گویند اقوام گروه‌هایی روستایی هستند که برای خود اسمی دارند و میان اعضا و غیراعضا تمایز قایل می‌شوند، به طوری که بخشی از یک سرزمین را در تصرف خود دارند و همه مسئولیت‌ها یا بخشی از آن را برای حفظ نظم به عهده می‌گیرند. مادام که چنین مسئولیتی را داخل قوم یا خارج قوم عهده دارند، می‌توان گفت اقوام دارای کارکردهای سیاسی و نظامی هستند (احمدی، ۱۳۷۹: ۵۲).

کالینز عوامل مؤثر در دفاع سرزمینی را به عوامل طبیعی و فرهنگی تقسیم می‌کند و معتقد است عوامل فرهنگی شامل ریشه‌های قومی و نژادی، الگوهای جمعیتی، ساختار اجتماعی، زبان‌ها، مذاهب و... می‌شوند که در ملاحظات دفاعی یک سرزمین مؤثرند. او معتقد است فرماندهان نظامی زمانی عملکرد نظامی مؤثر دارند که به شاخصه‌های جمعیتی و پیامدهای آن در حوزه سرزمینی مد نظر اشرافیت داشته باشند. برخی جوامع بزرگ تقریباً همگن و متجانس‌اند، اما بیشتر آنها ترکیبی از اکثریت‌ها و قومیت‌هایی با زبان‌ها، مذاهب، آداب و رسوم مختلف‌اند

راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران

عمده راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران با اصل اتکای مردمی و در قالب مشارکت عمومی در دفاع، با عنوان «بسیج» است. تشکیل ارتش بیست میلیونی (بسیج) تأکید بر عمق بخشی به دفاع در ایران دارد و فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه همه آحاد مردم باید در قالب بسیج سازماندهی شوند، خود مؤید این موضوع است. قدرت بازدارندگی در قالب بسیج در ایران اسلامی همواره در رزمایش‌های مختلف و صحنه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی تجلی یافته است. سازماندهی گردان‌های عاشورا، الزهرا (س)، گروه‌های مقاومت کربلا و ذوالفقار، و بسیج محلات و عشایری برای تکمیل راهبرد دفاعی است.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هـ ش از جمله اسناد راهبردی و بنیادین کشور است که در حوزه دفاعی بر جنبه‌هایی از ظرفیت‌ها و منابع قدرت ملی تأکید کرده است. یکی از نکات مهم در ارتباط با سند چشم‌انداز تبیین مفهومی نرم از بازدارندگی یا اقتدار در حوزه دفاعی است. بر این مبنا، بازدارندگی تنها با تکیه بر افزایش تولید قدرت سخت‌افزاری و بومی‌سازی تجهیزات لازم برای نیروهای مسلح محقق نخواهد شد، بلکه استقلال و اقتدار جامعه در حوزه دفاعی متکی بر عناصر و مؤلفه‌های نرم است. بر همین مبنا، ایجاد پیوستگی در بنیه انسانی قدرت نظامی و هم‌چنین تجمیع اراده‌های مردمی که در راستای



ممانعت از شکاف در بافت قدرت ملی (دولت - ملت) است، از لوازم چنین جامعه‌ای تلقی می‌شود. بند ب سیاست‌های کلی نظام تأکید و تمرکز اصلی را بر بسط بسیج در امور دفاعی قرار داده و در تفسیر بندهای ۱۴ و ۱۵ که ناظر بر منابع ملی و مجاری غیرنظامی قدرت و قدرت نظامی کشور است، بر ارتقای توان آمادگی دفاعی نیروهای مسلح با بهره‌گیری از منابع انسانی و نقش این منابع در قدرت نظامی تأکید کرده است.

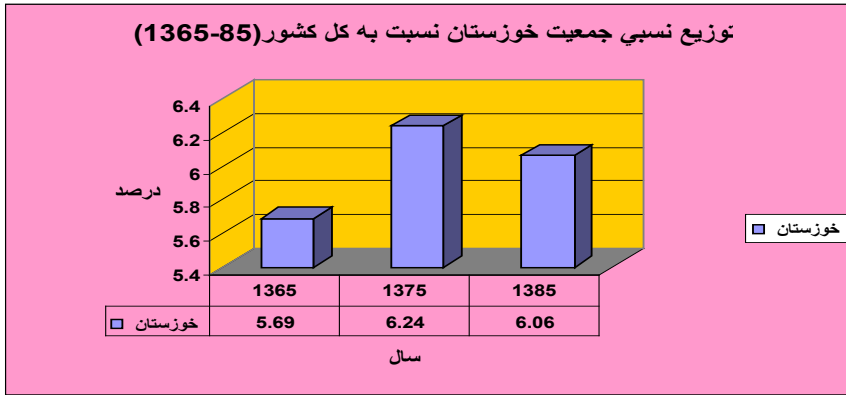
بررسی جمعیتی استان خوزستان

از ۴,۲۷۴,۹۷۹ نفر جمعیت استان خوزستان ۲,۱۸۴,۹۳۱ نفر، را مردان و ۲,۰۹۰,۰۴۸ نفر دیگر را زنان تشکیل می‌دهند. از کل جمعیت استان ۲,۸۷۳,۵۶۴ نفر جمعیت شهری، ۱,۳۸۳,۹۴۶ نفر جمعیت روستایی ۱۷,۴۹۶ نفر جمعیت غیرساکن هستند. از بعد خانوار، خوزستان ۸۶۶,۹۱۴ خانوار دارد که ۶۱۱,۷۹۷ خانوار شهری، ۲۵۱/۸۶۵ خانوار روستایی و ۳۲۵۱ خانوار غیرساکن‌اند. براساس آمار جمعیتی، جمعیت شهری از جمعیت روستایی بیشتر است و شهرها و روستاها تقریباً جمعیتی بالقوه دارند. از مجموع جمعیت این استان ۲۸/۵۷ درصد زیر ۱۴ سال، ۶۷/۶۵ درصد بین ۱۴-۶۰ سال و ۳/۷۸ درصد بالای ۶۰ سال هستند که نشان می‌دهد جمعیت استان جوان است و می‌تواند به عنوان عامل بازدارنده در مقابل دشمن در دفاع سرزمینی نقش مؤثری ایفا کند.

جمعیت استان خوزستان در مناطق شهری، روستایی و عشایری پراکنده‌اند، اما با توجه به آمار جمعیت به نظر می‌رسد اگر نقشه خوزستان را از شمال به جنوب تقسیم کنیم، نیمه غربی آن جمعیت بیشتری در خود جای داده است. برای مثال، دزفول ۴۰۱۵۵۸ نفر، شوش ۱۹۲۱۶۲ نفر، اهواز ۱,۳۸۸,۱۲۶ نفر، بندر ماهشهر ۲۵۲۵۸۷ نفر و آبادان ۲۷۷۲۶۱ نفر جمعیت دارند. به عبارت دیگر، شهرهای نزدیک مرز جمعیت بیشتری دارند. حضور اعراب نیز در این مناطق بیشتر است. در شمال و شمال شرق که مناطق کوهستانی و دور از مرز هستند، جمعیت کمتری به چشم می‌خورد. برای مثال، شهر لالی ۳۶۱۱۷ نفر، باغ ملک ۱۰۴۱۷۸، رامهرمز ۱۲۳۹۳۰ و امیدیه ۸۶۲۰۱ نفر جمعیت دارند. از اینرو دشمن برای عبور از محورهای نظامی دریایی و خشکی باید از جمعیت بیشتری عبور کند. از آنجا که این جمعیت بیشتر در سراسر روستاهای منطقه به صورت عشیره‌ای پراکنده‌اند، دشمن برای عبور از منطقه ناچار از مواجهه با نیروهای مردمی به ویژه عشایر است که قطعاً با مشکلات فراوان و آسیب‌پذیری زیادی مواجه خواهد شد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷).



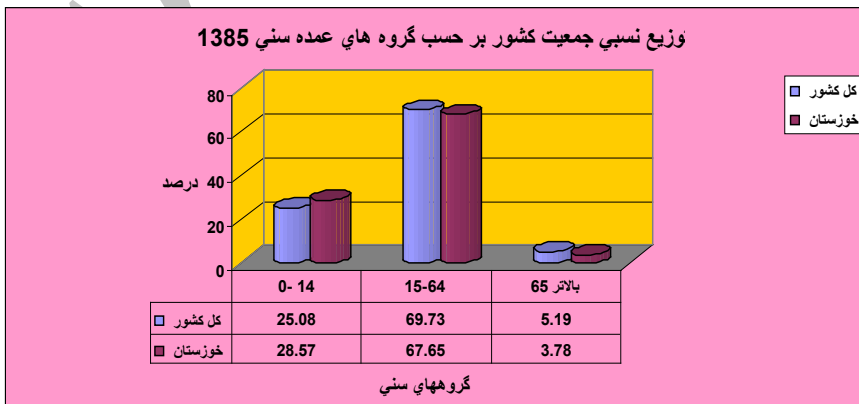
توزیع نسبی جمعیت



جدول ۱- توزیع نسبی جمعیت کشور و استان خوزستان بر حسب گروه‌های عمده سنی (۱۳۸۵)

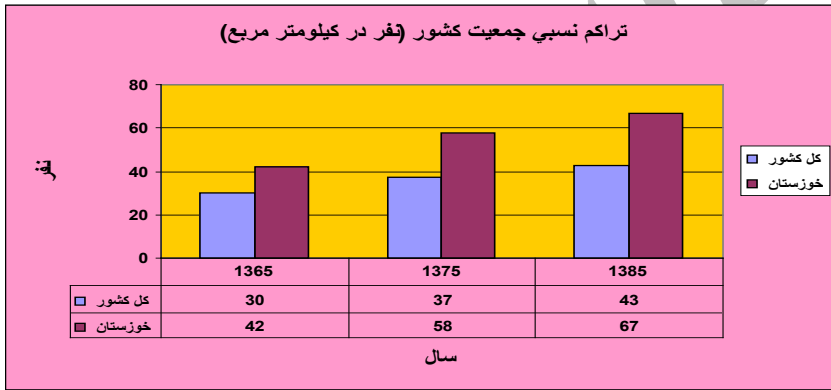
جمع	۶۵ ساله و بیشتر	۱۵ تا ۶۴ ساله	۰ تا ۱۴ ساله	
۱۰۰	۵/۱۹	۶۹/۷۳	۲۵/۰۸	کل کشور
۱۰۰	۳/۷۸	۶۷/۶۵	۲۸/۵۷	خوزستان

در جدول فوق توزیع نسبی جمعیت بر اساس سه گروه سنی اصلی تفکیک شده است. جمعیت استان خوزستان در گروه سنی ۰-۱۴ ساله میانگین بیشتری نسبت به کل کشور دارد. در مقابل، در گروه سنی ۶۴-۱۵ سال و ۶۵ سال به بالا این میانگین کمتر از کل کشور است (بختیارپور، ۱۳۸۹: ۲۵۰).



تراکم جمعیت

تراکم جمعیت نیز در چگونگی تهاجم نظامی بیگانگان به استان خوزستان تأثیرگذار است. تراکم جمعیت باعث افزایش مقاومت و از سرعت تهاجم بیگانه به مناطق سرزمینی می‌کاهد. به علت تراکم جمعیت این استان در مناطق مختلف روستایی و شهری و وجود مناطق جلگه- دشت و کوهستان از سرعت تهاجم نیروهای مهاجم کاسته می‌شود. هرچند خوزستان با ۲,۳۷۸,۴۶۵ نفر جمعیت شهری و ۱,۳۸۳,۹۴۶ نفر جمعیت روستایی در ۶۷۱۳۲ کیلومترمربع مساحت، تراکمی با رتبه ۱۲ نسبت به استان‌های کشور با ۶۷ نفر در هر کیلومترمربع دارد، که انجام و اتحاد جمعیت در مقابل دشمن در دفاع سرزمینی مؤثر می‌باشد.



نمودار فوق مقایسه‌ای بین تراکم نسبی جمعیت خوزستان در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ با کل کشور است. تراکم نسبی جمعیت در استان خوزستان با رشدی صعودی در سال ۸۵ به ۶۷ نفر در کیلومترمربع رسید، در حالی که تراکم نسبی جمعیت برای کل کشور ۴۳ نفر بوده است (بختیارپور، ۱۳۸۹: ۲۵۱).

مشخصه‌های فیزیکی

جمعیت هر منطقه شامل افرادی است که به طور چشم‌گیری به لحاظ قدرت و پایداری، سرسختی و سلامتی از یکدیگر تفاوت دارند. مردمان استان خوزستان در آب و هوای گرم و با تلاش فراوان زندگی می‌کنند. این آب و هوای ویژه، خوزستانی‌ها را افرادی سختکوش و خستگی‌ناپذیر بار آورده است که تحمل سختی‌های طاقت‌فرسا و توان بالای درگیری نظامی را دارند. این عامل بر قدرت دفاع سرزمینی نیروهای بومی می‌افزاید. شرایط جوی خشن در فصل گرما مردم بومی استان را در مقایسه با افراد غیربومی مقاوم‌تر کرده است.

ساختار سنی جمعیت

ساختار سنی جمعیت در چگونگی و تعداد نیروهای نظامی موجود در هر استان مؤثر است. از آنجا که جمعیت خوزستان جوان است، آموزش و سازماندهی ۶۷/۶۵ درصد جمعیت بین ۶۴-۱۴ ساله این استان، توان دفاعی بالایی به آن می‌دهد و با دادن روحیه و انگیزه به نیروهای خودی می‌توان عملیات روانی دشمن را خنثی کرد. این عامل نیز در توان دفاع سرزمینی و انگیزه دفاعی مردم در برابر دشمن مؤثر است و اعراب خوزستان می‌توانند در زمینه دفاع از کشور خود کمک شایانی کنند.

جمعیت خوزستان از نظر قومی به سه گروه عمده عرب، لر و فارس تقسیم می‌شود. اکثریت در شهرهای نزدیک مرزها زندگی می‌کنند. آنها شیعه اثنی عشری و جعفری هستند و از اعتقادات راسخ مذهبی برخوردارند. در اعتقادات شیعه علوی دفاع از حریم و سرزمین باعث جان‌فشانی‌ها می‌شود. که در شرایط مختلف آن را ثابت کرده‌اند. اعراب خوزستان عمدتاً از نظام طایفه‌ای و عشیره‌ای تبعیت می‌کنند. در چنین نظامی اعضای قوم بیشتر پیرو رئیس طایفه، قوم و عشیره و ریش‌سفیدان‌اند و مردم غالباً از سران و بزرگان طوایف برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی تبعیت می‌کنند. اگر رهبران طوایف با دولت همکاری کنند، باعث افزایش مشارکت آنها در دفاع سرزمینی خواهد شد. لذا سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت می‌تواند بر این موضوع اثر گذار باشد.

۱. زبان

پیوستگی‌های زبانی جمعیت یک جامعه را به یکدیگر نزدیک می‌کند. در استان خوزستان فارس‌زبان‌ها و لر‌ها نمی‌توانند زبان عربی را درک کنند. لذا با توجه به گسترش اعراب در خوزستان، اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از تأثیر عملیات روانی و جنگ روانی بیگانگان به ویژه حکومت‌های عرب منطقه با حربه زبان و موضوع زبان عربی ضروری می‌باشد. فعالیت‌های فرهنگی باید ضمن ارج نهادن به ارزش‌های قومی و عشایر و طوایف از هرگونه نفوذ فرهنگ بیگانه جلوگیری کند.

۲. مذهب

دین اکثر جمعیت خوزستان اسلام و مذهب‌شان تشیع است. این یکپارچگی جمعیت مسلمان به ویژه شیعه مذهب بودن آنها نقطه قوت منطقه محسوب می‌شود و در دفاع سرزمینی در مقابل عوامل خارجی اتحاد دینی و مذهبی ایجاد می‌کند. فعالیت‌های مذهبی باید چنان گسترش یابد و عمق داده شود که در تعمیق پایه‌های دینی مؤثر باشد و در نهایت، سبب همگرایی و پرهیز از واگرایی شود.



مشخصات جمعیتی استان خوزستان

چنانچه جمعیت استان را به لحاظ گروه‌های شامل فارس زبان، ترک قشقایی، لر و عرب تقسیم و ترکیب جمعیتی شهرستان‌ها را بر حسب این عامل بسنجیم، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. **فارس:** بیشترین میزان جمعیت فارس زبان در شهرستان‌های دزفول (۵۰ درصد) بهبهان (۴۵ درصد) آبادان (۲۵ درصد) و اهواز و خرمشهر است. در سایر شهرستان‌ها ترکیب جمعیتی فارس زبان کاهش می‌یابد. کمترین جمعیت در رامشیر، هندیجان، لالی، ایذه و شادگان (۱ درصد) مشاهده می‌شود.

۲. **عرب:** بیشترین جمعیت عرب‌ها به ترتیب در شهرستان‌های شادگان (۹۸ درصد)، دشت آزادگان (۹۸ درصد)، رامشیر (۷۴ درصد)، شوش (۶۰ درصد)، بندر ماهشهر (۵۵ درصد)، آبادان (۵۵ درصد)، اهواز و خرمشهر (۵۰ درصد) سکونت دارند. کمترین جمعیت در شهرستان‌های لالی (بدون جمعیت عرب)، ایذه و مسجد سلیمان (۰/۵ درصد) و اندیمشک (۵ درصد) دیده می‌شود.

۳. **لرها و بختیاری‌ها:** بیشترین جمعیت لرها و بختیاری در شهرستان‌های لالی (۹۹ درصد)، باغ‌ملک (۹۸ درصد)، ایذه (۹۷/۵ درصد) و مسجد سلیمان (۹۵/۵ درصد) وجود دارد. لرها ۲۰ درصد جمعیت اندیمشک، ۶۴ درصد جمعیت هندیجان و ۴۳ درصد جمعیت دزفول را تشکیل می‌دهند. شهرستان‌های دشت آزادگان و شادگان فاقد جمعیت لرند.

ترک‌های قشقایی هم به طور پراکنده در شهرستان‌های امیدیه (۱۵ درصد)، رامهرمز (۸ درصد)، بهبهان (۳ درصد) و شهرستان‌های اهواز، باغ‌ملک، ایذه و خرمشهر با ۱ درصد جمعیت زندگی می‌کنند (بختیاری‌پور، ۱۳۸۹).

عوامل واگرایی در استان خوزستان

۱. عامل خارجی (عراق، عثمانی، انگلیس و آمریکا)

عراق: این کشور در تنگنای جغرافیایی- سیاسی دشوار و از نظر دسترسی به آب‌های آزاد در موقعیت جغرافیایی نامناسبی قرار گرفته (افشردی، ۱۳۷۵: ۱۴۰) و همیشه مایل بوده است از این تنگنا خارج شود. لذا غالباً برای خوزستان برنامه‌ریزی کرده است. **عثمانی:** تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی از قرن دهم تا سیزدهم قمری، شرح جنگ‌های خونین چهارصد ساله آنهاست. در این مدت ۲۴ جنگ بین ایران



و عثمانی در گرفت. در اکثر جنگ‌ها دولت عثمانی مهاجم بوده و ایران از خود دفاع کرده است. در برخی جنگ‌های دوره صفوی که ایران مهاجم بوده، هدف بازپس‌گیری اراضی از دست‌رفته در جنگ‌های پیشین بوده است. بر همین اساس، توطئه‌های زیادی از دوره عثمانی تاکنون برای جداسازی استان خوزستان انجام گرفته است.

انگلیس: این کشور از قدیم‌الایام به علت ویژگی منحصر به فرد خوزستان، همواره تلاش زیادی برای جداسازی این استان از ایران کرده است.

آمریکا: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا با راه‌اندازی جنگ تحمیلی بین ایران و عراق و پشتیبانی‌های فراوان از آن و پس از جنگ با ایجاد نفاق و تفرقه به روش‌های مختلف به ویژه رسانه‌های شنیداری و دیداری و ماهواره‌ها برای جداسازی این استان از کشور اسلامی تلاش کرده است.

۲. زبان

اگر منطقه عرب‌نشین خوزستان در مجاورت عراق قرار نداشت، اعراب این استان با توجه به شیعه بودن کمترین مشکل را در مقایسه با سایر اقوام در مرز داشتند. حزب بعث عراق هر از گاهی با ایجاد نغمه‌هایی مبنی بر وحدت عربی و جدایی استان خوزستان از ایران به دلیل تفاوت زبانی، مشکلاتی در منطقه ایجاد می‌کرد. هرگاه زبان عربی برای اهداف قومی و نژادی به کار گرفته شود و آلت دست عوامل خارجی قرار گیرد، می‌تواند وحدت ملی را تهدید و سبب مرکز‌گریزی شود.

۳. قوم‌گرایی

رابطه قبایل با حکومت در ایران بسیار جالب توجه است. پیشینه و سابقه این رابطه بر تحولات بعدی ساخت حکومت در ایران به ویژه در دوره پهلوی تأثیرگذار بوده است. بسیاری از شهرنشینان می‌پنداشتند که عمدتاً از قانون و نظم‌گريزان‌اند و علاقه دارند دور از دسترس دولت در مناطق بسیار سخت زندگی کنند، در مقابل، قبایل که دارای نظم و قانون خاص خویش تمایل به حفظ استقلال و خودمختاری ساخت قبیله‌ای بودند. این سوءبرداشت از دو طرف که یکی همیشه در هراس از واگرایی و جدایی‌طلبی بود و دیگری سعی در دخالت بر قبیله داشت (غریاق زندی، ۱۳۸۵: ۹۴).

قوم‌گرایی قبل از انقلاب اسلامی به علت فعالیت برخی شیوخ و نیز عمل ناصحیح حکومت‌ها و نمایندگان آنها پررنگ‌تر شده بود و پس از انقلاب هم دخالت‌های حزب بعث، عراق فازهایی مثل اغتشاشات، انفجارات، همکاری بعضی شیوخ در شروع جنگ عراق و بعضی مسائل دیگر زمینه قوم‌گرایی را ایجاد کردند.



۴. فرهنگ و سنت

بافت اجتماعی اعراب خوزستان به بافت روستایی عشایری و بافت شهری تقسیم می‌شود. عشایر عرب خوزستان در روستاها عمدتاً به کشاورزی، دام‌پروری و صنایع دستی مشغول‌اند و تعدادی هم به صورت کارگر ساده فصلی در شهرهای بزرگ و کوچک اشتغال دارند. بعضی نیز به کشورهای ساحلی حاشیه جنوبی خلیج فارس مهاجرت می‌کنند و در کارهای خدماتی مثل کارهای ساختمانی و باراندازی مشغول می‌شوند.

اختلاف بین عشایر عرب عمدتاً در سه محور اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خلاصه می‌شود. مشاجرات بر سر مسائل ناموسی، مالی، تصرف زمین، سرقت، کیفیت مراتع، قتل و اخیراً اتهامات سیاسی یک قبیله علیه قبیله دیگر باعث تداوم این عداوت‌ها شده است.

۵. مسئله فقر

اقتصاد ایران بر پایه نفت بنیان گذاشته شده است و با توجه به اینکه بخش عمده نفت و گاز کشور از میدان‌های نفتی استان خوزستان به دست می‌آید، وجود این منابع نفتی زمینه‌ساز شکل‌گیری صنایع متعدد جانبی در این استان شده است. در اولین نگاه شاید هر محققى تصور کند که مشکل اقتصادی در این منطقه باید صفر باشد، اما آمار گویای وجود بیکاری شدید و فقر در این استان می‌باشد. به رغم وجود صنعت نفت و سایر منابع زیربنایی در استان خوزستان با مشکلات اقتصادی روبه‌روست که می‌تواند زمینه‌های اعتراض یا واگرایی را ایجاد کند.

عوامل همگرایی میان قوم عرب

۱. پیوستگی تاریخی سرزمین خوزستان (عامل تاریخی)

از روزگاری که ایران سرزمین آشور را به دست ماد و سپس بابل به فرمان کوروش در سال ۵۳۹ قبل میلاد گشوده شد، خوزستان جزء تجزیه‌ناپذیر سرزمین ایران بوده است. در زمان‌های بسیار طولانی ایرانیان حاکم منطقه بین‌النهرین بوده‌اند و خوزستان هیچ‌گاه از دست ایران خارج نشده و همواره مرزداران این نواحی از مرزهای کشور خود دفاع کرده و بر این تابعیت بالیده‌اند.

۲. مذهب

اعراب خوزستان تقریباً به طور کامل پیرو دین مبین اسلام و شیعه اثنی‌عشری‌اند و خصوصیت ویژه آنها ارادت خالصانه به ائمه اطهار و اهل بیت و پیروی از علمای دین و مراجع تشیع است. بر همین اساس مذهب به عنوان مهم‌ترین عامل همبستگی



ملی بین اعراب خوزستان با سایر اقوام است. اعتقاد به ارزش‌های مذهبی شیعه سبب شده است که اعراب خوزستان با سایر قومیت‌های مختلف در ایران احساس برادری و همدلی کنند.

۳. توسعه صنعتی و مهاجرت

الف) پیوستگی صنعتی به خوزستان: با اکتشاف نفت و ملی شدن صنعت نفت، درآمدهای نفتی قسمت اعظم بودجه سالانه مملکت را تشکیل داد. لذا افزایش یا کاهش آن دگرگونی‌های عظیم ساختاری در اقتصاد ایران به وجود می‌آورد. تا زمانی که پایه‌های اقتصاد ایران بر این صنعت متکی باشد، خوزستان قلب تپنده آن محسوب می‌شود. در صورت جایگزینی سایر منابع، نفت به عنوان ذخیره ملی برای نسل آینده خواهد بود. علاوه بر صنعت نفت، این استان زمین‌های حاصل‌خیز و منابع آبی متعددی دارد که قادر است نیازهای غذایی کشور را به عنوان مهم‌ترین مزیت ژئوپولیتیک، درون استان تهیه کند. همین نقش فرااستانی و ملی و صنایع و استعداد‌های بالقوه باعث پیوستگی صنعتی و در نتیجه همگرایی می‌شود.

ب) تغییر بافت جمعیتی: با اکتشاف نفت و ساخت صنایع جانبی آن سیل مهاجرین از نیروهای متخصص ماهر و نیمه‌ماهر از نواحی برون‌استانی به داخل استان، به خصوص مناطق نفت‌خیز سرازیر و در چند دهه سبب افزایش جمعیت استان شد. از مشخصات این مهاجرت، ویژگی شهرنشینی مهاجرین تازه‌وارد و جایگزینی زبان فارسی به جای عربی بود. از سوی دیگر، آموزش و ساخت شهرک‌های فارس‌نشین در مناطق عرب‌زبان، در گسترش فرهنگ و ادبیات فارسی بی‌تأثیر نبوده است. در نتیجه، دگرگونی‌های جمعیتی در کاهش ویژگی‌های خاص محلی و ادغام اعراب در ترکیب کلی کشور بسیار مؤثر بوده است.

۴. جنگ تحمیلی

مهم‌ترین هدف عراقی‌ها جداسازی استان خوزستان از ایران بود. این استان به دلایل مختلف برای عراق اهمیت داشت که جمعیت قابل توجه اعراب، تکیه بر افکار ناسیونالیستی، بزرگ‌نمایی اختلاف‌های عرب و عجم، منابع عظیم نفت و گاز و دسترسی به سواحل طولانی خلیج فارس برای رفع مشکل ژئوپولیتیکی از جمله آنها بوده است. به همین علت، با اطمینان از حمایت اعراب، طراحان نظامی عراق در مرحله اشغال جایگاهی ویژه برای آن باز کرده بودند. اما در صحنه عمل، خلاف نظر عراق تحقق یافت. دلایل عدم همراهی اعراب خوزستان با حزب بعث را می‌توان همگرایی با ایران و واگرایی از هر قدرت خارجی دانست. رزمندگان عرب‌زبان به دلیل تسلط بر زبان عربی و آشنایی کامل با مناطق عملیاتی، نقشی برجسته در



یگان‌های شناسایی اطلاعاتی و عملیاتی ضد متجاوزان عراقی ایفا کردند. در واقع، جنگ خود سبب همبستگی و همگرایی بیشتر بین عرب‌زبانان در جبهه و شهرهای پشت جبهه با عنوان «مهاجرین جنگ» شد.

۵. ارتباطات

نقش ارتباطات مثل فرودگاه‌ها، خطوط راه‌آهن، راه‌های زمینی، راه‌های آبی ارتباطی، مخابرات، مطبوعات، پست و صدا و سیما را در خنثی‌سازی تأثیرات جداسازی و متحد کردن جمعیت نباید فراموش کرد. هر دولتی برای به ثمر رساندن هدف‌ها به منظور نشر اندیشه‌ها، جابه‌جایی مردم و انتقال کالا از یک بخش به بخشی دیگر به وسایل منظم ارتباطی نیازمند است. تمام شکل‌های مختلف حمل و نقل و ارتباطات راه دور، مخابرات و... جزو شبکه ارتباطی محسوب می‌شوند. امروز باید برخی گونه‌های پیشرفته این وسایل ارتباطی را به خدمت گرفت تا با تحولات تکنولوژی هماهنگ شوند. این وسایل در توسعه زیربنایی اقتصادی و پیشرفت اجتماعی بسیار مهم و اساسی هستند. این ارتباطات در استان خوزستان نیز باعث همگرایی و مرکزگرایی شده است.

۶. مشارکت سیاسی

مشارکت مردم در مسائل استان به رغم برخی مشکلات و کمبودها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمینه و بستر همگرایی و مرکزگرایی است. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی اعراب خوزستان در کنار سایر هم‌وطنان، ضمن تبعیت از رهبری و ولایت فقیه، در اکثر مسائل کشور و نظام مشارکت داشته‌اند.

زمینه‌های تاریخی دفاع اعراب از سرزمین خوزستان

۱. جهاد اعراب علیه انگلیس در جنگ جهانی اول

انگلیس پس از اشغال عراق برای تقویت عقبه و حفاظت از لوله‌های نفت شرکت ایرانی- انگلیسی اقدام به اشغال خوزستان کرد. و اعراب در مقابل آنها ایستادگی کردند و جنگیدند.

اعراب خوزستان براساس فتوای مرجع تقلید شیعه (مرحوم آیت‌الله سید کاظم یزدی و تبعیت از علمای منطقه و علمایی که از نجف آمده و با سران عشایر صحبت کرده بودند، نهضتی را راه‌اندازی نمودند و در چند محور با انگلیسی‌ها به مقابله پرداختند، از جمله ۱۵ کیلومتری غرب اهواز- سوسنگرد، هویزه- شمال و اهواز- شادگان. در محور شادگان پرچم مبارزان به رنگ سبز بود و در یک طرف



آن آیه «نصر من الله و فتح القریب» و طرف دیگر این سه عبارت نوشته شده بود: «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، «علی ولی الله». آنان توانستند شادگان را از اشغال انگلیسی‌ها آزاد کنند.

۲. قائله شیخ خزعل

قائله شیخ خزعل فعالیت‌های حساب شده بود و آشکارا رنگ و بوی جدایی‌طلبی داشت. هرچند جنبشی قبیله‌ای و مبتنی بر هویت قومی نبود، در صورت موفقیت این حرکت استقلال و تمامیت ارضی ایران را بیش از پیش بازیچه بازیگران خارجی می‌کرد و اثری منفی و غیرقابل جبران بر تداوم فرهنگی و هویتی ایران برجای می‌گذاشت.

مرور اقدامات شیخ خزعل نشان می‌دهد که هدف وی نه نگرهبانی از دستاوردهای انقلاب مشروطه و حمایت از شاه قاجار که تداوم قدرت خویش در منطقه و تأسیس امیرنشین مستقل بود؛ به ویژه روابط نزدیک و طولانی‌مدت او با مأموران بلندپایه انگلیس حتی برخلاف منافع ملی ایران، نکته‌ای پنهان نبود. از سوی دیگر، تعدادی از طوایف و عشایر مشهور منطقه از همان ابتدای قدرت‌خواهی شیخ با وی مخالف بودند و به دنبال فرصتی برای کنار زدن او می‌گشتند. به عبارت دیگر، نخستین و مهم‌ترین مخالفان شیخ خزعل نه در تهران که در همان خوزستان بودند.

۳. مبارزه اعراب خوزستان در برابر کشف حجاب

در ۱۳۰۳ ه‍.ش و حاکمیت رژیم پهلوی تیمسار همایونی و تیمسار فیروزی وارد سوسنگرد و بستان شدند و جنگ‌های سختی با عشایر عرب منطقه کردند و خواستار کشف حجاب زنان شدند. در این زمان عشایر دشت آزادگان نمایندگانی نزد آیت‌الله سید ابوالحسن، اعزام کردند و خواستار لغو برنامه کشف حجاب شدند. وساطت ایشان مورد پذیرش رضاخان واقع نشد و جنگ سختی در شمال رودخانه کرخه در سوسنگرد رخ داد که بعدها به «فرهنگ حجاب» یا «المغاتیل» شهرت یافت. در این جنگ ارتش شکست خورد.

۴. تحریکات ضد انقلاب

با پیروزی انقلاب، و خلاء حاصل از دوران گذار بعضی شخصیت‌ها و سازمان‌های سیاسی ضد انقلاب به فعالیت پرداختند. در چنین فضایی، ایران یکباره درگیر بحران‌هایی در چند منطقه به ویژه در برخی استان‌های مرزی شد که در صورت



تشدید ممکن بود به جنگ داخلی و همه‌جانبه و تجزیه کشور منجر شود. از جمله این بحران‌ها پدیده خلق عرب، موضوع شیخ شبیر خاقانی و جبهه‌التحریر بود که با دخالت‌های عراق، کویت، لیبی و... همراه بود. نکته مهم اینجاست که اقدامات این گروه‌ها فراگیر نشد، زیرا نخستین مقاومت‌ها درون منطقه پدید آمد و علاوه بر مخالفت‌های شهروندان غیرعرب خرمشهر و آبادان، بسیاری از عشایر عرب‌زبان استان نیز با این‌گونه فعالیت‌ها همراهی نکردند. دلایل این امر بیشتر به ماهیت انقلاب و نفوذ مذهب میان اعراب خوزستان مربوط می‌شد که بر مسئله قومیت مطرح شد و از سوی گروه‌های ضد انقلاب برتری یافته بود.

۵. اعراب خوزستان در دفاع مقدس

از اوایل سال ۱۳۵۸ حکومت عراق اقداماتی آشکار علیه نظام تازه‌تأسیس جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد و با کسب آمادگی و ایجاد زمینه لازم به جنگی گسترده علیه ایران مبادرت کرد. این کشور علاوه بر ایجاد تحرکاتی در مرزهای دو کشور، اقداماتی گسترده در داخل ایران انجام داد که می‌توان به پشتیبانی و تحریک نیروهای ضد انقلاب، القای فکر، ایجاد زمینه همکاری اقوام عرب با عراق، و آموزش و تسلیح بعضی عشایر عرب اشاره کرد. اما اعراب خوزستان برای برقراری نظام اسلامی تلاش بسیاری کردند و در برابر تجاوزات ارتش عراق ایستادند و شهیدان و جانبازان و مجروحان بسیاری تقدیم انقلاب کردند و خسارات فراوانی متحمل شدند. آنها در قالب تیم‌های اطلاعاتی و عملیاتی و گشتی‌های اطلاعاتی کمک بسیار مهمی به پیشبرد جنگ تحمیلی کردند و بعدها در قالب یک لشکر توانستند در سرنوشت جنگ مؤثر باشند.

مهم‌تر از همه اینکه تعداد زیادی از فرماندهان عالی‌رتبه جنگ و دفاع مقدس که از اهالی خوزستان بودند، توانستند با تدبیر و همکاری خود نقش اساسی در پیشبرد دفاع مقدس داشته باشند و مهر افتخاری دائم بر پیشانی مردم غیور خوزستان باشند. شهید جهان‌آرا، شهید مهدی هاشمی و... برخی از این فرماندهان عرب‌اند.

نتیجه‌گیری

وجود تنوع قومی در ایران واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. کشورهای دارای چنین ویژگی‌هایی همواره با فرصت‌ها و تهدیدهایی مختلف روبه‌رو هستند. استان خوزستان موقعیت راهبردی فوق‌العاده‌ای دارد. علاوه بر این، ذخایر عظیم

انرژی این منطقه را به شریان اصلی اقتصادی کشور و تغذیه‌کننده اقتصاد ایران تبدیل کرده است. از طرف دیگر، این استان محل سکونت اقوام عرب‌زبانی است که علقه‌های فراوانی با هویت ملی دارند. به طور کلی، عواملی میزان همگرایی و واگرایی اعراب خوزستان را تشدید می‌کنند. براساس تحقیقات انجام شده عمده‌ترین عوامل واگرا «عامل خارجی، زبان، قوم‌گرایی، فرهنگ و سنت، و مسئله فقر» و مهم‌ترین عوامل همگرا «پیوستگی تاریخی سرزمین خوزستان، مذهب تشیع، توسعه صنعتی و مهاجرت، جنگ تحمیلی، ارتباطات و مشارکت سیاسی» هستند.

با توجه به راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی که متکی بر مردم و بازدارندگی مردمی در دفاع از سرزمین است، اعراب خوزستان همانگونه که در طول تاریخ ثابت کرده‌اند به طور حتم و کامل از سرزمین خود و سرزمینی که صدها سال از آن پشتیبانی کرده‌اند، دفاع خواهند کرد و دلایلی هم‌چون دین اسلام، مذهب تشیع، روحیه علوی و عاشورایی و روحیه انسجام و وحدت و اعتقاد به ولایت و مبانی دینی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران و سایر دلایل دیگر نظام خود را تنها نخواهند گذاشت و اجازه نخواهند داد دشمن در تجاوز به مرزها و سرزمین اسلامی به راحتی به هر نوع اقدام دلخواه دست بزند در هر صورت دولت باید سعی کند با برنامه‌ریزی اساسی نقاط ضعف را برطرف و به نقطه قوت و اتکا تبدیل کند و برخی تهدیدهای موجود را با سازوکارهای مختلف به فرصت بدل نماید.



- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.
- احمدی، حمید (۱۳۷۹)، «قومیت و قوم‌گرایی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها و طوایف عشایری در ایران، تهران: نسل دان.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۷۵)، مشکلات ژئوپولیتیک عراق، دانشگاه تهران، بهار.
- بختیارپور، علی (۱۳۸۹)، بررسی و برآورد تهدیدات استان خوزستان و نقش و تأثیر مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی بر آن، مرکز مطالعات توسعه امنیت پایدار.
- پور کاظم، حاج کاظم (۱۳۷۲)، مدخلی بر شناخت قبایل عرب خوزستان، جلد ۳، مؤسسه فرهنگی آیات.
- حسینی، رحمت‌الله (۱۳۷۴)، «ملاحظاتی پیرامون مرکزگریزی و منطقه‌گرایی»، مجله ایران فردا، س ۳، ش ۱۸، تیر.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۴)، قرآن کریم، ترجمه، توضیحات و واژه‌نامه، تهران: انتشارات نیلوفر و انتشارات حاجی.
- خنجی، امیرحسین (۱۳۸۶)، نگاهی گذرا به مسئله قومیت‌ها در ایران و ادعای موهوم «فارس‌سالاری» و «تبعیض قومی» <http://www.irgntarikh.com>.
- دفتر سیاسی سپاه، (۱۳۷۷)، دانشگاه امام حسین (ع).
- رشید، غلامعلی (۱۳۷۶)، بررسی نقش جغرافیای نظامی در جنگ تحمیلی، مطالعه موردی منطقه غرب کارون، شرق بصره، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- صحیفه نور، جلد‌های ۸، ۹ و ۱۹، وزارت ارشاد، ۱۳۶۱.
- صفوی، سید یحیی (۱۳۷۸)، مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، جلد اول، دانشگاه امام حسین (ع).
- علیجانی، بهلول (۱۳۷۳)، مبانی آب و هواشناسی، انتشارات سمت، چاپ دوم.
- غریاق زندی، داود (۱۳۸۷)، ایرانیان عرب‌تبار، پژوهشکده مردم‌شناسی.
- قاسمی، صفت‌الله (۱۳۸۶)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر انسجام اقوام ایرانی»، فصلنامه آفاق امنیت، پیش‌شماره دوم و سوم، پاییز و زمستان.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل‌های ۲ و ۱۹، مجلس شورای اسلامی.
- قهاری، نظام‌الدین (۱۳۷۲)، «مشکلات عمده و عدیده ایران»، مجله فردا، س ۴، ش ۲۲، آذر ۷۲.

- کاظمی تاری، تقی (۱۳۸۹)، جنبه‌ها و ابعاد امنیتی اقوام و مذاهب، دانشکده پیامبر اعظم (ص).
- کالینز، جان. ام، (۱۳۷۰)، استراتژی بزرگ، ترجمه بایندر کوروش، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کالینز، جان. ام، (۱۳۸۳)، جغرافیای نظامی، انتشارات دوره عالی جنگ سپاه.
- گندمکار، محمدجواد (۱۳۸۹)، نقش جمعیت در دفاع سرزمینی کشور (بررسی موردی قومیت بلوچ در جنوب شرق کشور)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- محرابی، غلامرضا (۱۳۷۵)، بررسی نقش عوامل جغرافیایی در تحولات سیاسی س، ب با تأکید بر جمعیت.
- معاونت اطلاعات نرسا، راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۶)، تحولات قومی در ایران علل و زمینه‌ها، مؤسسه مطالعات ملی.
- موحدی نیا (۱۳۸۵)، پدافند غیرعامل، دانشگاه امام حسین (ع).
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه میر حیدر و صفوی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- مهدوی، مسعود (۱۳۷۳)، اصول و مبانی جغرافیای جمعیت، ترجمه نشر قومس.
- میرحیدر، دره (۱۳۷۱)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: سمت، چاپ دوم.
- نظری، علی اصغر (۱۳۶۸)، جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات گیتاشناسی.

